

● پیشگفتار

سال ۲۰۰۲ میلادی سال مبارکی برای مطالعات ایرانی است. برگزاری سه کنفرانس مهم بین‌المللی در حوزه ایران‌شناسی در این سال، شاهی بر این مدعاست. اولین کنفرانس ایران‌شناسی سال ۲۰۰۲، «ایران‌شناسی در اروپا: دیروز، امروز، فردا» نام داشت که از ۱۲ تا ۱۴ فوریه سال جاری میلادی در شهر زیبای گراتس^۱ اتریش برگزار شد. دو کنفرانس دیگر (که البته به هنگام نگارش این مطلب هنوز آغاز نشده‌اند) عبارتند از «چهارمین کنفرانس دو سالانه مطالعات ایرانی» که انجمن مطالعات ایرانی (SIS) با همکاری انجمن مطالعات جوامع فارسی زبان (ASPS) آن را در ۲۴ تا ۲۶ می ۲۰۰۲ در مری‌لند آمریکا برگزار می‌کند، و اولین کنفرانس جهانی مطالعات خاورمیانه (WOCMES)، که در تاریخ هشتم تا سیزدهم سپتامبر سال جاری در شهر ماینتز^۲ آلمان تشکیل می‌شود. اگر بخواهیم کنگره موعود بنیاد ایران‌شناسی خودمان را به همراه «اولین کنفرانس بررسی مسائل جوامع فارسی زبان» نیز به این فهرست بیفزاییم، آنگاه واقعاً می‌توان مدعی شد که سال ۲۰۰۲، سال مطالعات ایرانی است.

آنچه جای خوشحالی دارد آن است که نخستین قدم از این مجموعه، یعنی کنفرانس گراتس، تاکنون با پرباری کامل برداشته شده است و امید می‌رود که کنفرانس‌های دیگر نیز چنین باشند.

این کنفرانس حاصل همکاری مشترک موسسه مطالعات زبانشناسی دانشگاه گراتس، کمیسیون مطالعات ایرانی آکادمی علوم اطریش، و رایزنی فرهنگی سفارت کشورمان در اطریش بود که نمایندگان آنها، سخنرانان برنامه افتتاحیه‌ی کنفرانس نیز بودند.

اینکه اطریش میزبان این کنفرانس بوده است نیز نکته‌ای جالب است که نباید از آن غافل بود. سنت ایران‌شناسی در اطریش اگرچه به قدمت هم‌تاهای فرانسوی، انگلیسی، یا آلمانی خود نیست، اما سنتی عمیق و سرشار از تلاش بوده است. احتمالاً نخستین کسی که در اطریش دست به فعالیت‌های جدی ایران‌شناسی زد، یوزف فون هامر پورکشتال^۱ بود، کسی که در سال ۱۸۴۷ - ۸ مسئولیت مطالعات ایرانی آکادمی اطریش را بر عهده داشت و توانست با ترجمه دیوان حافظ، خسرو و شیرین نظامی، گلشن‌راز شیخ محمود شبستری، و انتشار گلچین اشعار ۲۰۰ شاعر ایرانی، اولین قدم‌ها را در شناسایی ادبیات و فرهنگ ایرانی به جامعه اطریش بردارد. شخص دومی که در میان اندیشمندان ایران‌شناس اطریش نامدار است، اوتو فون ملتسر^۲ نام دارد. این فارغ‌التحصیل قدیمی دانشگاه گراتس، خدمات زیادی در حوزه ایران‌شناسی انجام داده است. از او آثار متعددی به همراه چندین کارتن فیش پژوهشی بر جای مانده است، که در جای مناسب به آن خواهیم پرداخت. کنفرانس گراتس به یاد بود این دانشمند فقید برگزار شد.

● گزارش کنفرانس گراتس

نخستین روز کنفرانس در ساعت ۹ صبح آغاز شد و با چهار جلسه در ساعت ۷ شب پایان پذیرفت. زمان بندی سخنرانی‌ها به گونه‌ای بود که سخنران اول هر جلسه خطابه‌ای یک ساعته ایراد می‌کرد و سپس یک یا دو سخنران دیگر جلسات نیم ساعته داشتند. برنامه نخستین جلسه روز دوازدهم فوریه، شامل چهار خوشامدگویی و یک سخنرانی بود: خیر مقدم پروفیسور والتر هوفلشنر^۳ رئیس دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه گراتس، خوشامدگویی ابراهیم رحیم‌پور، سفیر جمهوری اسلامی ایران در اطریش، سخنرانی کوتاه پروفیسور هرمان میتل برگر^۴، از موسسه زبانشناسی دانشگاه گراتس، و نهایتاً خیرمقدم توسط حسین اسماعیلی، رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین. سخنران نخست نیز دکتر محسن خلیجی (از تهران) بود با سخنرانی «درآمدی بر اقدامات جمهوری اسلامی ایران در حوزه فعالیت‌های ایران‌شناسی». جلسات بعدی روز اول به قرار زیر بودند:

1 - Joseph Von Hommer Purgstall

2 - Otto Von Melzer

3 - Wolter Höflechner

4 - Hermann Mittelberge

جلسه دوم صبح سه‌شنبه ۲۰۰۲/۲/۱۲

رئیس جلسه: پروفیسور هاینر آشینر.^۱

سخنرانان: - پروفیسور برت فراگنر^۲ (از بامبرگ آلمان): «ایران‌شناسی در میان ریشه‌شناسی، پژوهش‌های میدانی، و مطالعات فرهنگی: دانشی بر سر دو راهی».

- خانم لیزولیت عبید^۳ (از وین): «حکیم ساعی، شاعر محبوب ایرانی قرن بیستم».
همچنین لازم به ذکر است که قرار بود دکتر جانی چیونگ^۴ (از لیدن هلند) نیز در مورد «توصیف‌گویی محلات» سخنرانی کند، که این سخنرانی برگزار نشد. با وجود این، او در تمامی جلسات کنفرانس حضور فعال داشت.

جلسه سوم روز سه‌شنبه

رئیس جلسه: پروفیسور برت فراگنر.

سخنرانان: - دکتر آنا کراسنولسکا^۵ (از کراکف دستان): «لهستانی‌ها در ایران و آغاز مطالعات ایرانی در لهستان».

- دکتر لوتس ژهاک^۶ (از برلین): «پیرامون واژه‌نامه بلوچی - دری - پشتو».

- خانم اگنس کورن^۷ (از فرانکفورت): «تشدید همخوان‌ها در زبان بلوچی».

جلسه چهارم روز سه‌شنبه

سخنرانان - دکتر ژاویر ترمبلی^۸ (از وین): «پژوهش در شرق ایران. زبان و فرهنگ در دوران استیلای مسلمین بر ایران و سهم آن در ادراک اوستا و مزدیسنا».

- دکتر ویلتسار سادوفسکی^۹ (از وین): «ترکیبات و دایی و اوستایی که اعضای آنها با هم در رابطه قمری (Predicate) یا بخشی (Partitive) هستند».

روز نخست کنفرانس با اتمام این سخنرانی در ساعت ۷ بعدازظهر پایان پذیرفت. جز سخنرانی آقای خلیجی و خانم کراسنولسکا (که به ترتیب به زبانهای فرانسه و انگلیسی ایراد شدند)، زبان سایر سخنرانی‌ها آلمانی بود.

1 - Heiner Eichner

2 - Bert Fagner

3 - Liselotte Abid

4 - J. Cheung

5 - Anna Krasnowolska

6 - Lutz Rzehak

7 - Agnes Korn

8 - Xavier Tremblay

9 - Velizar Sodovski

برنامه روز دوم کنفرانس:

جلسه اول روز چهارشنبه ۲۰۰۲/۲/۱۳

رئیس جلسه: دکتر آنا کراسنولسکا.

سخنرانان: - پروفیسور فرانسیس ریشار^۱ (از پاریس): «متون خطی فارسی: بدعت‌ها و اهمیت کودیکولوژی آنها در مطالعات تاریخ ایران و ایران‌شناسی».

- دکتر لودویگ پاول^۲ (از گوتینگن آلمان): «پیرامون دستور تاریخی زبان فارسی: بررسی نظام فعلی».

جلسه دوم چهارشنبه

سخنرانان: - دکتر فریتز لوشنر فون هوتن باخ^۳ (از گراتس): «تاریخ سنت مطالعات ایرانی در دانشگاه گراتس».

- نگارنده از تهران با مقاله «واژگان لری در متن قرآن قدس».

جلسه سوم چهارشنبه

رئیس جلسه: پروفیسور گرت کلینگن اشمیت^۴ (از رگنزبورگ)

سخنرانان: - پروفیسور چلادویک وربا^۵ (از وین): «موارد را نباید زیاد کرد بجز احتیاج: (بحثی در مورد تصحیح متون مرتبط با ایران‌شناسی باستانی)».

- دکتر رابرت پلات^۶ (از ارلانگن آلمان): «قید اوستایی یا Fraorət و سابقه هند و ایرانی آن».

جلسه چهارم چهارشنبه

سخنرانان: - دکتر نصرت‌الله رستگار (از وین): «سنت ایران‌شناسی در اطریش».

- برنهارد شویش^۷ (از گراتس): «معرفی واژه‌نامه فارسی - آلمانی ملتسر».

در این روز هم همه سخنرانی‌ها به زبان آلمانی ایراد شدند، جز سخنرانی پروفیسور ریشار به فرانسه و سخنان نگارنده به انگلیسی.

1 - Francis Richard

2 - Ludwig Paul

3 - Eritz Lochner Von Hüttenbach

4 - Gert Klingenschmitt

5 - Chlodwig H. Werba

6 - Robert Ploth

7 - Bernhard Scheucher

برنامه روز سوم کنفرانس:

جلسه اول روز پنج‌شنبه ۲۰۰۲/۲/۱۴

رئیس جلسه: دکتر فریتز لوشنرفون هوتن باخ

سخنرانان: - پروفیسور رودیگر اشمیت^۱ (از زاربروکن آلمان): «اسامی خاص ایرانی: تاریخچه، عملکردها، و وظایف آینده».

- مانفرد هوتن^۲ (از بن آلمان): «نامهای کهن ایرانی در متون عبری: وضعیت پژوهش و مشکلات موجود».

جلسه دوم روز پنج‌شنبه

سخنرانان: - پروفیسور گرت کلینگن اشمیت (از رگنבורگ) «فارسی میانه، فارسی باستان، و مطالعات ایندوژرمانیستیکی (هند و آلمانی)».

- غلام جلانی داوری^۳ (از ویسبادن): «بناهای باستانی کشف شده در افغانستان».

جلسه سوم روز پنج‌شنبه

رئیس جلسه: پروفیسور رودیگر اشمیت.

سخنرانان: - پروفیسور یان ریشار^۴ (از پاریس): «ایران‌شناسی در فرانسه، از «بن‌ویست» تا «لوکوک»، از «ماسه» تا «ریشار»: تغییرات حادث در موسسات ایران‌شناسی پاریس طی نیم قرن اخیر».

- پروفیسور اسوالد پاناگل^۵ (از سالزبورگ): «واژگان اهورایی و اهریمنی در اوستا از دیدگاه مؤلفه‌های معنایی».

- هیساشی میاکاوا^۶ (از ارلانگن): «در pancaca در اوستا».

جلسه چهارم روز پنج‌شنبه

سخنرانان: - ایلیا یاکوبوویچ^۷ (از شیکاگو): «بررسی دو سند ازدواج به زبان سفدی در پرتوسایر مدارک موازی».

1 - Rüdiger Schmitt

2 - Manfred Hutter

3 - Gholam Djelani Davari

4 - Yann Richard

5 - Oswald Panagl

6 - Hisashi Miyakawa

7 - Ilya Yakubovich

– آنتیا ونت لند^۱ (از گو تینگن): «عبارات ارجاعی در سغدی». این سخنرانی، آخرین خطابه علمی کنفرانس «ایران‌شناسی در اروپا» بود. با میزگرد پایانی برگزار کنندگان و ایراد نطق‌های کوتاه و امید آفرین برای فعالیت‌های آینده، کنفرانس گراتس رسماً به کار خود پایان داد.

● در حاشیه کنفرانس

در مورد مسائل حاشیه‌ای کنفرانس گراتس نیز نکاتی هست که دریغ دارم از ذکر آنها خودداری کنم. نخستین نکته، همکاری بی دریغ و صمیمانه دانشجویان دانشکده با میهمانان بود، چه کسانی که اعضای تیم برگزاری کنفرانس بودند، و چه کسانی که صرفاً دانشجوی دانشکده بودند. جوانان برگزار کننده با خوشرویی ویژه‌ای مطالب آلمانی را برای کسانی که آلمانی نمی‌دانستند ترجمه می‌کردند. حضور پررنگ آنها در هر گوشه دانشکده مشهود بود و جا دارد که از تمامی آنها سپاسگزاری شود.

دوم: شرکت کنندگان کنفرانس یک بار به ضیافت شام و بار دیگر به ضیافت ناهاری از سوی مقامات شهر دعوت شدند. میزبان نخست، نماینده پارلمانی گراتس بود و دومی شهردار شهر. نکته‌ای که میزبان اول در سخنانش بر آن تاکید داشت، کلمه «فردا» در عنوان کنفرانس بود. او گذشته ایران‌شناسی را در اروپا و به ویژه در کشورش متذکر شد و بر همکاری نهادهای اجرایی شهر در راستای فعالیت‌های امروزی آن نیز تاکید کرد، اما نظر خود را بیشتر به «فردا»ی این مطالعات معطوف داشت و خواستار تداوم این همکاری‌ها شد. سخنران دوم (شهردار)، ضمن بیان این نکته که شهر ۸۰۰ ساله‌ی گراتس از سوی یونسکو «پایتخت فرهنگی اروپا» اعلام شده است و این مسئله از سال آینده رسمیت خواهد یافت، حمایت همه جانبه شهرداری را از اقدامات فرهنگی دانشگاه اعلام داشت. این همکاری‌ها، سنت‌های پسندیده‌ای هستند که باید الگوی مقامات ایرانی نیز باشند.

سوم: در طول این دو سخنرانی و سایر گفتارهای رسمی (مانند سخنرانی سفیر)، آقای دکتر نصرت‌الله رستگار زحمت ترجمه خطابه‌ها را به فارسی و آلمانی بر عهده داشت. دکتر رستگار از دانشمندان فعال و بی‌ادعایی است که اگر زحمات او نبود، کنفرانس گراتس هرگز نمی‌توانست با این کیفیت برگزار شود.

چهارم: در روز افتتاحیه و برنامه اختتامیه، شاهد برگزاری جلسه موسیقی سنتی با اجرای سه تار، عود، و تنبک توسط یک خانم و آقای جوان ایرانی بودیم. این کار، علاوه بر تلطیف جو

جلسات، این انگیزه را در تعدادی از دانشجویان و استادان به وجود آورد که در مورد موسیقی ایرانی هم مطالعه کنند.

و نکته آخر: همان طور که گفته شد، این کنفرانس به احترام دانشمند فقید اطریشی، اوتو فون ملتسر، برگزار شد. ملتسر در سالهای پایانی عمر خود، یادداشتهای بسیاری به دانشگاه گراتس هدیه کرد و امیدوار بود که روزی نتیجه مطالعات گسترده خود را به چاپ برساند. متأسفانه مرگ به او فرصت برآوردن این آرزو را نداد و نوشته‌هایش در انبار کتابخانه دانشکده زبان‌های خارجی گمنام ماندند. خوشبختانه کارتن‌های فیش او (که پروژه یک لغت‌نامه آلمانی فارسی بود) توسط مسئولان دانشکده یافت شد و، با پایمردی دکتر رستگار، کار مرتب‌سازی و «رایانه‌ای سازی» یادداشتهای آغاز شد. دو دانشجوی دکترا (خانم اگنس کورن و آقای برنهارد شویشر) به مدت بیش از دو سال روی این پروژه کار کردند و ما توانستیم، روی رایانه گروه، نتایج فعالیت‌های انجام شده بر روی یادداشتهای ملتسر را ببینیم. گفته می‌شود که قرار است فرهنگ فوق به صورت لوح فشرده (CD) آماده و توزیع گردد، که البته انجام چنین کاری نیازمند همکاری دو جانبه مقامات ایرانی و اطریشی خواهد بود.

● پس گفتار

از زمان دانشجویی تاکنون، همواره این پرسش برای من مطرح بوده است که چرا تمامی دانشگاه‌های معتبر جهان کرسی‌های ایران‌شناسی دارند، جز دانشگاه‌های خودمان؟ درست است که می‌توان با تحصیل در رشته‌های ادبیات فارسی، زبان‌شناسی، فرهنگ و زبان‌های باستانی، تاریخ، و غیره به بخش‌هایی از دانش ایران‌شناسی دست یافت، اما آیا واقعاً زمان آن فرا نرسیده است که این رشته به عنوان رشته‌ای مستقل در دانشگاه‌های ما تدریس شود؟ بدیهی است که راه‌اندازی دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد این رشته با امکانات موجود کاملاً امکان‌پذیر است و فارغ‌التحصیلان آن نیز می‌توانند در موسسات پژوهشی، رسانه‌ها، موسسات ایران‌گردی و گردشگری، کتابخانه‌ها، سازمان میراث فرهنگی (و البته دانشگاه‌ها!) منشاء اثر و سازندگی باشند. این سؤال را تاکنون بی‌هیچ‌امیدی از خود و تعدادی از دوستان می‌پرسیدم، اما اکنون که آن را می‌نویسم، امیدوارم که روزی همگی پاسخ عملی این سؤال را در سطح موسسات آموزشی و پژوهشی ایران شاهد باشیم.